

Mentazer Mentazer

دیدن ملکوت اشیاء یعنی چه و چرا اکثر ما این ملکوت را نمی‌بینیم؟

Mentazer Mentazer

ملکوت اشیاء چیست؟ چگونه می‌توانیم به این ملکوت دست پیدا کنیم؟

وقتش رسیده که عینک بدیهیات را از چشم برداریم و با دید دیگری به اشیاء موجود در این عالم نگاه کنیم. ما به سرعت در حال از دست دادن فرصت دیدن و تفکر هستیم. چه بسا پایان زندگی‌مان نزدیک شده باشد، اما هنوز به ملکوت آسمان و زمین فکر نکرده باشیم^۱.

برای اینکه متوجه شویم ملکوت چیست و چگونه باید به آن نگاه کرد، جنینی را فرض کنید که در رحم مادر است. چیزی جز بند ناف، مایعی که در آن شناور است، جفتی که از آن ارتزاق می‌کند و دیواره‌های رحمی که درونش قرار گرفته را نمی‌بیند. وجودش به وجود مادری بستگی دارد که بدن او را اداره می‌کند. مادر علت وجود جنین است درحالی‌که جنین مادر را نمی‌بیند و از وجودش آگاه نیست. در واقع بدون مادر جنینی وجود ندارد و در این حالت مادر ملکوت جنین است.

پس ملکوت یعنی باطنی که تمام هستی ما به آن وابسته است، اما آن را نمی‌بینیم و تنها پوسته و ظاهری از آن را درک می‌کنیم. در حقیقت ملکوت اشیاء حقیقت پنهان آن‌هاست که در عین حال، علت وجودشان هم هست و این علت در نهایت چیزی نیست جز خدایی که در سراسر عالم خلقت با جلوه‌های مختلفی ظهور و بروز دارد؛ در مادر، در دنیا، در آسمان و زمین

و...^۲

Mentazer Mentazer

۱. آیه 185 سوره اعراف

۲. پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تو را غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور

با صد هزار دیده تماشا کنم تو را | با صد هزار جلوه برون آمدی که من دیوان اشعار فروغی بسطامی

به همین ترتیب دنیا هم ملکوتی دارد. فضایی که ما آن را نمی‌بینیم، اما دنیا را اداره می‌کند. درست مانند مادری که جنین را اداره می‌کند. اگر ملکوت نباشد، دنیایی هم وجود ندارد. همان‌طور که اگر مادر نباشد، جنینی وجود نخواهد داشت. پس در واقع تمام وجود یک چیز، هستی و زندگی‌اش به ملکوت و حقیقت پنهانش وابسته است.

چه طور می‌توان به ملکوت دست پیدا کرد

ملکوت اشیاء وجود دارد؛ خواه ما از وجود آن باخبر باشیم، به آن دست پیدا کرده باشیم و از وجود این ملکوت بهره‌مند شده باشیم یا نه! در حقیقت ما زمانی می‌توانیم به ملکوت اشیاء دست پیدا کنیم، که از چهارچوب زندگی خود بیرون آمده و از آن بزرگ‌تر یا فراتر شده باشیم. برای روشن‌تر شدن مطلب به مثال جنین و مادر برمی‌گردیم؛ جنین زمانی ملکوت خود، یعنی مادر را می‌بیند، که از پوسته و کیسه خود بیرون آمده باشد، یا به عبارتی وجودش فراتر از رحم شده باشد و در حقیقت چیزی از درون چهارچوب قبلی نتواند او را تنگ کرده و یا مانع رفتنش شود.

البته دیدن ملکوت اشیاء برای کسی امکان‌پذیر است، که قبلاً به حقیقت آن ایمان آورده باشد؛ یعنی یقین داشته باشد که ملکوت اشیاء وجود دارد. در واقع باید با شناخت، دریافت و ادراک‌هایی که داریم، چشم‌هایمان را به دیدن عادت داده و به دنبال علت‌ها بگردیم. به عنوان مثال، هر وقت که یک میز چوبی را می‌بینیم. می‌دانیم که نجاری آن را ساخته است، شخصی وجود داشته که با ریاضیات و طراحی آشنایی داشته، درختی بوده که از چوبش میز تهیه شده، اره‌ای وجود داشته که درخت را قطع کرده، کارخانه‌ای بوده که اره را تولید کرده، معدنی بوده که فلز تیغه اره از آن استخراج شده، دستگاهی وجود داشته که فلز را استخراج کرده، این دستگاه برای خود سازنده‌ای داشته و...

ما در زمان دیدن یک میز به وجود تمام این مراحل یقین داریم، هرچند که به سادگی از کنار آن‌ها عبور می‌کنیم. یا هنگامی که غذا می‌خوریم، می‌دانیم که کسی این غذا را درست کرده، مواد مورد نیازش خریداری شده، سبزیجاتش از مزرعه تا محل

فروش جابه‌جا شده‌اند، شخصی این سبزیجات را کاشته و آن‌ها را آبیاری کرده، به آنها رسیدگی کرده و از آنها مراقبت کرده است، بذر این گیاهان را تهیه کرده است و به همین ترتیب هم در مورد گوشت، نان و بقیهٔ لوازم این غذا تمام این اطلاعات را داریم، هر چند به آن‌ها توجهی نکنیم. در واقع این ملکوت در پشت هر چیزی نهفته است، خواه دربارهٔ آن فکر کرده باشیم یا نه. ما برای دیدن ملکوت آسمان‌ها و زمین باید خود را به دیدن ملکوت اشیاء عادت دهیم.

چه چیزی مانع تفکر ماست؟

تا اینجا متوجه شدیم که هر حقیقت، واکنش و پدیده‌ای که در عالم هستی وجود دارد از ملکوت یا باطنی برخوردار است. وقتی تفکر دربارهٔ ملکوت آسمان‌ها و زمین به قدری برای خداوند بدیهی‌ست که حتی کافران را ملزم به تفکر در این باره می‌کند³، پس چرا ما این ملکوت را نمی‌بینیم؟ چرا در سطح و ظاهر مانده‌ایم و به آن فکر نمی‌کنیم؟ حقیقت این است که ما به حجاب عادت گرفتار شده‌ایم و این حجاب ما را در حد ظاهر دنیا و اشیاء نگه داشته است. درست مثل جنینی که درکش از جهان در سطح رحم مادر باقی مانده و تا زمان تولد فراتر از آن را نمی‌بیند، ما هم به قدری با کمالات پائینی وجودمان احاطه شده‌ایم که فرصت تفکر را از خود گرفته‌ایم، در حالی که خداوند مدام در این باره از ما می‌پرسد و ما را برای نادیده گرفتن این موضوع مؤاخذه می‌کند.

در این مقاله گفتیم که در پس هر واکنش و حقیقتی در این عالم باطن پنهانی وجود دارد که علت وجود آن پدیده است. این باطن پنهان را ملکوت می‌نامیم. متوجه شدیم که برای رسیدن به ملکوت باید از چهارچوب قبلی خود فراتر برویم. از شرط

آیه 185 سوره اعراف.³

دیدن ملکوت اشیاء صحبت کردیم و به این سوال پرداختیم که چرا با وجود اهمیت تفکر در ملکوت آسمان و زمین برای خدا ما از آن غفلت می‌کنیم!

نظر شما در مورد ملکوت آسمان‌ها و زمین چیست؟ آیا تا به حال به دیدن ملکوت و اهمیت آن فکر کرده بودید؟

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer